

جهانی شدن و امنیت ملی

□ دکتر محمد ستوده

در حال حاضر از طریق فرآیند جهانی شدن، بهتر می توان، تحولات و تغییرات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را توصیف و تحلیل نمود. فرآیندی که کما بیش تمام قلمروهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی را در سطوح مختلف در بر گرفته و همه کشورهای کوچک و بزرگ از پیامدهای آن متأثر هستند.^(۱) این فرآیند نه تنها زمینه ساز همانند شدن جهانی؛ بلکه از عوامل تشدید کننده هویت‌های قومی و ملی نیز محسوب می شود. از سوی دیگر، پیامدهای متعارض جهانی شدن، باعث چالش‌های اساسی در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و امنیت ملی کشورها گردیده و فرصت‌های نوینی را نیز برای بازشناسی ارزش‌ها، هویت‌ها، مرزها و امنیت ملی فراهم نموده است. در عصری که انفجار اطلاعات، کامپیوتر و اینترنت و جهانی شدن از مختصات آن است، مطالعه امنیت ملی بدون لحاظ فرآیندها و وضعیت‌های موجود، امکان‌پذیر نیست. آنچه قابل بررسی است، صرفاً به تأثیر فرآیند جهانی شدن بر امنیت ملی مربوط نمی شود؛ بلکه نگرش به امنیت ملی در متن و قلمرو جهانی شدن است؛ قلمروی که همه یا برخی از ابعاد پدیده‌ها، از جمله امنیت ملی را در بر گرفته و امکان جایگزینی مفاهیم جهانی مانند: اقتصاد

جهانی، فرهنگ جهانی و امنیت جهانی را به جای اقتصاد ملی، فرهنگ و امنیت ملی هر چه بیش تر فراهم ساخته است.

اگر از حیطة مفهوم سنتی امنیت ملی که ناظر بر فقدان خطر و آسودگی از حملات نظامی دشمن است، خارج شده و به مفهوم جدید امنیت ملی ملتزم شویم، آن گاه گستره پیوند عمیق امنیت در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، دفاعی و... با جهان خارج به روشنی محقق می شود. هر چند در مفهوم نوین امنیت ملی، تعاریف متعددی ارائه شده است؛ اما همچنان امنیت ملی قبل از همه، مقوله ای ذهنی و ارزشی باقی مانده است. والتر لیمن^(۲) و تراگر^(۳) امنیت ملی را حفظ ارزش های حیاتی جامعه ذکر کرده اند. در این صورت، جهانی شدن ارزش ها و رسوخ آن در مرزهای ملی و قرار گرفتن آن در فرآیند جامعه پذیری، می تواند در قالب تعارض یا همگنی با امنیت ملی ظاهر شود. مطالعه چگونگی این تلاقی و تأثیر یک جانبه یا تأثیر متقابل نابرابر جهانی شدن و امنیت ملی، هدف مقاله حاضر است. برای این منظور ضمن بیان مفهوم جهانی شدن، از دو مفهوم جامعه پذیری و آسیب پذیری جهت فهم چگونگی رابطه جهانی شدن و امنیت ملی بهره می گیریم. در این حالت، جامعه پذیری، ناظر بر فرآیندهای پذیرش و انتقال ارزش های حیاتی و آسیب پذیری، به محدودیت ها و موانع حفظ ارزش های حیاتی و امنیت ملی مربوط می شود.

مفهوم جهانی شدن*

درباره مفهوم جهانی شدن، اتفاق نظر وجود ندارد. گاهی جهانی شدن، به کوچک شدن جهان و زمانی به رفتارها و ارزش های مشابه جهان شمول اطلاق می شود. از دیدگاه روزنا، «جهانی شدن، فرآیندی است که در ورای مرزهای ملی گسترش یافته و افراد، گروه ها، نهادها و سازمان ها را به انجام رفتارهای یکسان، یا شرکت در فرآیندها، سازمان ها یا نظام های فراگیر و منسجم وامی دارد.»^(۴) در تعریفی دیگر، «جهانی شدن، عبارت از گسترش روابط و پیوندهای گوناگون بین دولت ها و

جوامعی که نظام نوین جهانی را شکل می دهند، [می باشد]. فرآیندهایی که بنا بر آنها، رخدادهای، تصمیم‌ها و فعالیت‌ها در یک بخش از جهان می تواند پیامدهای مهمی برای افراد و جوامع بخش کاملاً مجزایی از جهان در برداشته باشد»^(۵) از طرفی، بین جهانی شدن و یکپارچگی جهانی* تفاوت وجود دارد.

«یکپارچگی جهانی، به وضعیت و شرایطی اطلاق می شود که در آن، تمامی شش میلیارد نفر مردم جهان، با محیط و نقش خود به عنوان شهروندان و مصرف کنندگان یا تولیدکنندگان (جهانی)، ارزش‌های مشترکی را دارا بوده و نفع خود را در اقدام جمعی برای حل مشکلات مشترک خویش جست و جو می نمایند.»^(۶) بر اساس تعاریف فوق، جهانی شدن، زمینه ساز یکپارچگی جهانی می باشد.

۱- جامعه پذیری**

الف: مفهوم جامعه پذیری

«جامعه پذیری به مرحله‌ای گفته می شود که شخص در آن مراحل، خصوصیات مناسب مورد نیازش را برای عضویت در جامعه به دست می آورد که مهم ترین خصوصیات، شناخت از خود به عنوان یک موجود استوار اجتماعی است که به وسیله هنجارها، نقش‌ها و روابط با دیگران، هدایت می شود.»^(۷) در تعریفی دیگر، جامعه پذیری، فرآیندی است که به وسیله آن، فرد راه‌ها، افکار، معتقدات، ارزش‌ها، الگوها و معیارهای فرهنگی خاص خود را یاد می گیرد و آنها را جزء شخصیت خویش می نماید.^(۸)

جامعه پذیری در تمام زمینه‌ها انجام می گیرد. آن بخش از جامعه پذیری که به طرز تلقی و روابط سیاسی فرد با جامعه و نظام سیاسی مربوط می شود، جامعه پذیری سیاسی نامیده می شود.

«جامعه پذیری سیاسی، فرآیند مستمر یادگیری است که به موجب آن، افراد ضمن آشنا شدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات، به وظایف، حقوق و ارزش‌های خویش خصوصاً وظایف سیاسی در جامعه پی می برند. در این فرآیند،

ارزش‌ها، ایستارها، نهادها و اعتقادات و آداب و رسوم از جمله مسائل سیاسی، از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد».^(۹) در این فرآیند، فرهنگ سیاسی جامعه شکل گرفته، حفظ شده و انتقال می‌یابد.

اگر مهم‌ترین کار و ویژه‌های جامعه‌پذیری را الگوسازی، انتقال فرهنگ و ارزش‌ها و ایجاد ثبات و امنیت ملی بدانیم، فرآیند جامعه‌پذیری تحت تأثیر دو دسته از ارزش‌ها قرار می‌گیرد، ارزش‌هایی که از سطح جهانی شدن و ارزش‌هایی که از سطح ملی و محلی شدن سرچشمه می‌گیرد.

ب: جهانی شدن و ارزش‌ها

رسانه‌ها را می‌توان مهم‌ترین ابزار جهانی شدن ارزش‌ها دانست رسانه‌ها از یک جهت منعکس‌کننده ارزش‌ها و هنجارهای جامعه بوده و از طرفی، در ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای نوین و ترویج ارزش‌های یکسان یا مشابه، نقش مؤثری ایفا می‌نمایند. رسانه‌های جمعی که شرام از آن به عنوان دروازه‌بانان عقاید نام می‌برد^(۱۰)، با قدرت بسیار گسترده‌ای که در اختیار دارند، می‌توانند نوع خاصی از ارزش‌ها را در فرآیند جامعه‌پذیری به ذهن انسان‌ها القا نمایند. میزان موفقیت رسانه‌ها در جهانی کردن ارزش‌ها، به نوع و سیله ارتباطی مربوط می‌شود. شاید بتوان نظام‌های ارتباطی را به دو طریق، موجدگرایش‌های ارزشی دانست:

«گروهی از ارزش‌ها به ساختار نظام ارتباطی متعلقند و لاجرم در کار و ویژه‌های اجتماعی و محتوای پیام آن، منعکس می‌شوند. این گونه ارزش‌ها را در پاسخ به سؤالاتی از این قبیل می‌توان یافت: آیا نظام یکسویه است یا دو سویه؟ آیا امکان باز خورد و ارتباط چند جانبه را فراهم می‌کند؟ تا چه اندازه از کشش‌ها و فشارهای سیاسی و اقتصادی مصون است؟ تا چه حد جواب‌گوی علایق و عقاید متفاوت جامعه است؟ دومین گروه از ارزش‌ها به جریان پیام در داخل نظام ارتباطی مربوط می‌شود؛ یعنی معیار و هنجاری که انتخاب و تنظیم پیام‌ها، بر اساس آن استوار است»^(۱۱)

شاید بتوان فرآیند جریان یک سویه اطلاعات را زمینه مناسبی برای جهانی شدن

فرهنگ، ارزش‌ها، سیاست، اقتصاد و امنیت دانست. در این فرآیند، بسیاری از زمینه‌های مربوط به خبر، خبررسانی، معیارهای انتخاب خبر، حق تخصیص موج به صورت یکسویه و برخلاف جریان آزاد و متوازن انجام می‌گیرد. این جریان را می‌توان به عنوان یکی از بسترهای جامعه‌پذیری و مؤثر بر امنیت ملی نیز ذکر کرد. کازینو در این زمینه می‌گوید:

«سیلاب اطلاعاتی که به وسیله رسانه‌های همگانی جاری می‌شود، به تدریج تمامی جامعه را در خود غرق می‌کند و افراد هم‌که خواهی نخواهی در این جو اطلاعاتی تنفس می‌کنند، از این اطلاعات تغذیه می‌کنند و به تدریج در جریان امور قرار می‌گیرند و این اطلاعات را برای سایرین بازگو می‌نمایند. حتی اگر فقط بعضی از آنها را هم باور کنند، باز مجبور می‌شوند با مسائل سیاسی روز درگیر شوند، تمام این عوامل هر چند نامحسوس و مبهم، بر رفتار ما اثر می‌گذارد؛ ولی اثر آنها آن قدر آرام و بطئی است که نمی‌توان القای فکر به صورت خشن آن تلقی کرد. برای مثال، اگر اعمال و رفتار و گفته‌های خود را تحت نظر بگیریم، مشاهده خواهیم کرد که اگر تماشاگر تلویزیون نبودیم، این عقاید را نداشتیم، لذا از برخی عقاید دست برداشته‌ایم. در بسیاری از موارد، این عقیده ما نیست که رفتار ما را تعیین می‌کند؛ بلکه رفتار ماست که عقیده‌ای را در ما به وجود می‌آورد.»^(۱۲)

مهم‌ترین تأثیر رسانه‌ها در شکل دهی به ارزش‌ها و تصاویر ذهنی کودکان ظاهر می‌شود. بر اساس نظریه یادگیری^(۱۳)، ذهن انسان همانند لوح سفیدی است که در ارتباط با محیط ساخته می‌شود. در دوران کودکی و نوجوانی، رسانه‌ها از طریق «نقش‌های تفریحی، خبری، آموزشی و همگن سازی خود»^(۱۴)، کودک را در فرآیند جامعه‌پذیری ارزش‌های واحد قرار می‌دهند. این ارزش‌ها غالباً حاوی پیام‌های غیر بومی و زمینه ساز جهانی شدن ارزش‌ها می‌باشند.

«کارشناسان اذعان دارند که کارتون‌ها و نقاشی‌های متحرک از جذاب‌ترین برنامه‌ها هستند و شخصیت کودک را می‌سازند، کمپانی‌های غربی از طریق همین کارتون‌ها، فرهنگ غرب را منتقل می‌کنند و به دلیل رابطه عاطفی قهرمانان با

کودکان، تأثیر تربیتی عمیقی دارند.»^(۱۵)

ب: محلی شدن و ارزش‌ها*

محلی شدن در مقابل جهانی شدن قرار دارد. در حالی که در جهانی شدن، محدودیت برای گسترش ارزش‌های مشابه کم رنگ می‌شود؛ در محلی شدن، بر رفتارهای افراد، گروه‌ها و نهادها بر حسب ارزش‌های مربوط، به قلمرو محدود تاکید می‌گردد.^(۱۶) در محلی شدن، مرزها، هویت قومی و بومی تقویت شده و ارزش‌هایی که از این سطح ناشی می‌شود، به فرهنگ، اعتقادات و باورهای بومی معطوف می‌گردد. در این سطح، مهم‌ترین کارگزار جامعه‌پذیری و حفظ و انتقال فرهنگ از یک نسل به نسل دیگر و هدایت ارزش‌ها، خانواده است. خانواده به لحاظ نوع رابطه عاطفی خود، مهم‌ترین نقش را در جامعه‌پذیری فرد ایفا می‌نماید؛ اما اثرگذاری خانواده در همه وضعیت‌ها یکسان نیست؛ بلکه به نوع ساختار، نوع رابطه و نقش خانواده در جامعه بر می‌گردد. در یک طبقه بندی، خانواده را به «خانواده باز و بسته، خانواده بهنجار و نابهنجار، خانواده متعهد و نامتعهد تقسیم نموده‌اند»^(۱۷) و انواع روابط درون خانواده را در چهار دسته، دمکراتیک، استبدادی، پذیرنده و طردکننده ذکر کرده‌اند^(۱۸) با وجود این، جایگاه و نقش خانواده در جامعه‌پذیری از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است. در جوامعی که نهاد خانواده پایدار بوده و دارای استحکام لازم باشد، نقش کارگزاری خانواده افزایش می‌یابد و جامعه کم‌تر تحت تأثیر نامنی و ناهنجاری‌های اجتماعی قرار می‌گیرد؛ اما در جوامعی که نهاد خانواده بنیانی ندارد، جامعه بیش‌تر تحت تأثیر کارگزاری‌های ثانویه به ویژه رسانه‌های گروهی و فرآیند جهانی شدن قرار خواهد داشت.

ج: تحول، جامعه‌پذیری و امنیت ملی

بر اساس مطالب فوق، دو دسته از ارزش‌ها همواره در فرآیند جامعه‌پذیری قرار می‌گیرند. نخست، ارزش‌های بومی که گرایش به تغییر و تحول در آنها کم‌تر بوده و تحول آنها بطئی است. دوم، ارزش‌های برآمده از محیط جهانی شدن که گرایش به

ایجاد تحول و تغییر گسترده و شدید در آنها وجود دارد. در حالی که ارزش‌های نوع اول، تحت شرایطی نه تنها باعث حفظ ارزش‌ها، ثبات و امنیت ملی می‌گردند؛ ارزش‌های نوع دوم غالباً تهدیدی برای روند بهنجار جامعه پذیری، ثبات و ارزش‌های حیاتی جامعه شمرده می‌شوند؛ براساس نظر ماندل:

«چنانچه تغییر تدریجی، تکاملی و از داخل ناشی شود و به طور مستقیم متوجه بقا یا راه و روش بنیادی زندگی نباشد، غیر تهدیدآمیز و مشروع است. برعکس، موقعی که تغییر، گسترده، سریع، شدید و ناشی از خارج بوده یا به طور مستقیم متوجه بقا و موجودیت یا روش زندگی باشد، به احتمال بیش‌تری تهدیدآمیز و غیر مشروع (و در نتیجه موجب هراس ناامنی) به نظر می‌رسد.»^(۱۹)

به بیان دیگر، اگر کار ویژه‌های جامعه‌پذیری را حفظ و انتقال فرهنگ و ارزش‌های بنیادین جامعه به فرد و نسل‌های آینده و همچنین تأمین ثبات سیاسی و امنیت جامعه بدانیم،^(۲۰) ارزش‌های برآمده از محیط جهانی شدن می‌تواند آنها را مختل سازد. اختلال در نظم و ثبات سیاسی، ناشی از عدم هماهنگی بین الگوی جامعه‌پذیری سیاسی و نیازهای نظام سیاسی است، هر نظام سیاسی در راستای حفظ اهداف و منافع خود، به هدایت فرآیند جامعه‌پذیری می‌پردازد. با ورود ارزش‌های غیر بومی و تغییرات ناشی از جهانی شدن، فرآیند جامعه‌پذیری در راستای نیازهای نظام سیاسی انجام نشده و احتمال ظهور زمینه‌های تعارض و بحران‌های سیاسی را افزایش می‌دهد. این امر ناشی از حفظ وضعیت و ارزش‌های سنتی قدیمی یا اتخاذ ارزش‌های جدید می‌باشد.^(۲۱)

۲- آسیب پذیری

آسیب‌پذیری نمایان‌گر تهدیدها، موانع و محدودیت‌های حفظ و گسترش ارزش‌های حیاتی است. تهدید به ارزش‌ها می‌تواند از محیط داخل یا خارج نشأت گیرد. آنچه در این نوشته مورد نظر است، آسیب‌پذیری ارزش‌ها در تعامل با جهانی شدن می‌باشد. گرچه به نظر می‌رسد در برخی زمینه‌ها فرآیند جهانی شدن می‌تواند حامل پیام همگرایی، وفاق و امکانات مطلوب برای تقویت امنیت ملی و تشدید مرزهای هویتی باشد؛ فرآیند جهانی شدن غالباً در قلمروهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی موجد

این موانع و محدودیت‌ها محسوب شده است. این پیامدها در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و ارزشی هر چند همانند تراز منفی تجارت خارجی کشورها، قابل رؤیت نبوده یا کمتر مشاهده می‌شود؛ اما آسیب فراوانی به امنیت و ارزش‌های حیاتی کشورها وارد می‌سازد. به گونه‌ای که

«با ورود وسایل ارتباط جمعی به جامعه، خرده فرهنگ‌ها و فرهنگ‌های خاص و مجزا، ناپدید شده و تمامی ساکنان یک جامعه به نوعی تشابه می‌پذیرند و در سبک زندگی، علایق و خواسته‌ها، از الگوی مشابهی که وسایل ارتباط جمعی به آنان می‌دهند، برخوردار می‌شوند، کازینو این روند را توده‌ای شدن تمامی مردم در یک محدوده جغرافیایی یا مرزهای ملی می‌داند»^(۲۲).

جهانی شدن در بعد اقتصاد نیز باعث جنگ سرد اقتصادی میان کشورهای صنعتی و افزایش فاصله میان شمال و جنوب گردیده است. مانند در این زمینه می‌گوید:

«هر چه یکنواختی و نفوذ متقابل اقتصادی افزایش یابد، آن دسته از کشورها و مناطقی که قادر یا مایل به ادغام در نظام اقتصادی جهان نیستند، بیش تر منزوی شده و به حاشیه رانده می‌شوند و شکاف بین غنی و فقیر به نفع کسانی که دارای بیش ترین ثروت‌های مورد نیاز جهان هستند، افزایش می‌یابد.»^(۲۳)

به طور کلی می‌توان آسیب‌پذیری کشورها را در فرآیند جهانی شدن، حداقل در دو مورد مرزهای ملی و کاهش توان دولت‌ها نام برد.

الف: مرزهای ملی

در عصر حاضر مرزهای ملی به دلیل گسترش ارتباطات و شبکه‌های بسیار گسترده اطلاع‌رسانی، مفهوم واقعی خود را از دست داده است؛ زیرا

«... عقاید، فن‌آوری، مرام، کالاها و خدمات، بیش از هر زمان دیگری آزادانه در حال عبور از مرزها هستند. حفظ راه و روش زندگی خاص ملی یا نظام حکومتی متمایز به طور فزاینده مشکل‌تر می‌شود... و یکسان‌سازی ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و سلیقه‌ها در سطح جهانی در حال افزایش است.»^(۲۴)

در دنیای کنونی، جهان از طریق شبکه اینترنت به شدت متداخل شده و فواصل دور،

بسیار نزدیک و در جوار یکدیگر قرار گرفته است. این شبکه جهانی، فرصت‌ها و امکانات زیادی برای دولت‌ها و ملت‌ها فراهم ساخته است؛ اما نگرانی‌های فزاینده‌ای نیز در حفظ ارزش‌های حیاتی و امنیت ملی به وجود آورده است. در یک بررسی، مهم‌ترین تأثیرات منفی اینترنت در زمینه توزیع موارد ضد اخلاقی، تبلیغات نژاد پرستی، تبلیغات ضد مذهبی، تشدید جریان یکسویه اطلاعات و یکسان‌سازی فرهنگی ذکر شده است.^(۲۵)

اثرات مخرب شبکه اینترنت، نه تنها کشورهای جهان سوم؛ بلکه کشورهای صنعتی را نیز دچار نگرانی کرده است. برای نمونه ژاک شیراک در سال ۱۹۹۶ اظهار داشت: «تسلط زبان انگلیسی بر اینترنت، باعث شده است تا فرهنگ و زبان فرانسه و دیگر فرهنگ‌ها و زبان‌های مهم جهان در خطر نابودی قرار گیرند.»^(۲۶)

ب- کاهش توان دولت‌ها

در حال حاضر مفهوم حاکمیت به معنای استقلال عمل در خارج و داشتن اقتدار فائده در داخل، حالت معنادار خود را از دست داده است. سرعت ارتباطات و جهانی شدن باعث افزایش فشارهای داخلی بر دولت‌ها شده و آنها را در انجام وظایف خود از جمله تأمین امنیت ملی ناتوان ساخته است. مارسل مرل از «فروپاشی فضا» و نفوذپذیری شدید مرزها یاد می‌کند و جان هرتر معتقد است دولت نقش حمایتی خود را تا حد زیادی از دست داده و فرد، دیگر در قلمرو خود احساس امنیت نمی‌کند.^(۲۷) اثر این تحولات و فرآیندها می‌تواند «اضمحلال مشروعیت سیاسی، افزایش ابهام درباره مناسب‌ترین ساختارهای اقتدار جهت مدیریت مسائل امنیتی، فرهنگی و سیاسی مشترک و نیز سلطه هرج و مرج (آناارشی) باشد».^(۲۸) در حقیقت آنچه در حال وقوع است، صرفاً «... نابودی دولت ملی و یا حتی کم‌رنگ شدن آن نیست؛ بلکه سایر نیروها مشغول غصب بسیاری از نقش‌های سنتی حکومت هستند».^(۲۹)

در این شرایط، انتخاب راه و استراتژی ملی به آسانی برای دولت‌ها محقق نمی‌شود؛ زیرا دولت‌ها در عمل بین جهان‌گرایی، جهانی شدن و پذیرش پیامدهای مدرنیته و حفظ علائق ملی و ارزش‌های داخلی، با مشکل مواجه می‌شوند.

نتیجه

در نوشته حاضر، امنیت ملی و جهانی شدن با رویکرد فرهنگی / ارزشی مورد توجه قرار گرفت و نیز امنیت ملی در متن و قلمرو جهانی شدن از حیث محدودیت‌ها، امکانات و پیامدهای آن بررسی شد؛ اما بیش از آن که خود پیامدها احصا شود، به مطالعه و بررسی چگونگی تأثیرگذاری‌ها پرداخته شد. برای این منظور، از آنجا که جهانی شدن مقوله‌ای در سطحی کلان و امنیت ملی به سطح خرد مربوط می‌شود، برای اتصال میان این دو سطح، از دو مفهوم جامعه پذیری و آسیب پذیری استفاده گردید. از طریق مفهوم جامعه پذیری، بیان گردید که چگونه ارزش‌های برآمده از محیط جهانی شدن در فرآیند جامعه پذیری وارد شده و بر ارزش‌های حیاتی یک کشور مؤثر واقع می‌شوند و در مفهوم آسیب پذیری نشان داده شد که چگونه جهانی شدن باعث ناامنی، اختلال و بحران در عرصه‌های سیاسی و غیر سیاسی جوامع گردیده است. هر چند پیامدهای جهانی شدن و امکانات و محدودیت‌های آن برای همه کشورها یکسان نمی‌باشد؛ اما فرآیند جهانی شدن باعث به هم فشردگی و تداخل هر چه بیش تر سرنوشت توده‌ها به یکدیگر گردیده است. امید است بررسی مجمل و ناچیز حاضر، زمینه‌های شناخت هر چه بیش تر این قلمرو را فراهم آورد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - درباره جهانی شدن، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. از جمله فوکویاما در کتاب پایان تاریخ به جهانی شدن معتقد است. در حالی که برخی از اندیشمندان مانند هانتینگتون بر کثرت‌گرایی تاکید دارند؛ و صاحب نظران دیگری مانند والرشتاین، فریدمن و واکر تحقق همزمانی هر دو مقوله را مطرح ساخته‌اند. برای اطلاع بیشتر به منابع زیر رجوع شود.
- فرانسیس فوکویاما، فرجام تاریخ و واپسین انسان، ترجمه علیرضا طیب، مجله سیاست خارجی، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۷۲، صص ۳۶۷-۳۸۴.
- ساموئل. پی. هانتینگتون، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمد علی رفیعی، (تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸).
- ایمانوئل والرشتاین، سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی، (ژئوپلیتیک و ژئوکالچر)، ترجمه پیروز ایزدی، (تهران: نشر نی، ۱۳۷۷).
- ۲ - هارولدسی، ریلائی، کتمان علم، بحثی در امنیت ملی و جریان آزاد اطلاعات، ترجمه سعید بهنام، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره سوم، بهار ۱۳۷۸، ص ۱۳۲.
- ۳- همان، ص ۱۳۵.
- ۴ - جیمز روزنا، پیچیدگی‌ها و تناقض‌های جهانی شدن، ترجمه احمد صادقی، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۸، صص ۱۰۲۳ و ۱۰۲۴.
- ۵ - پل کوک و کالین کرک پاتریک، جهانی شدن، منطقه‌ای شدن و توسعه جهان سوم، ترجمه ناصر بیات، راهبرد، شماره ۱۵ و ۱۶، بهار و تابستان، ۱۳۷۷، ص ۱۶۵.
- ۶- روزنا، پیشین.
- ۷- علی اکبر کمالی، بررسی مفهوم جامعه پذیری، (تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴)، ص ۱۹.
- ۸- همان، ص ۲۰.
- ۹- همان، صص ۳۵-۳۶.

10. W.schramm. men, messages and media (Newyork: Haper and Rew
Publisher , 1973) P.139.

- ۱۱ - جان. ای. آرلی، به سوی سیاست‌های ارتباطی واقع بینانه، ترجمه خسرو جهاننداری، (تهران: سروش، ۱۳۵۲)، ص ۸۰.
- ۱۲ - ژان کازینو، قدرت تلویزیون، ترجمه علی اسدی، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴)، صص ۱۱۴-۱۱۵.
- ۱۳ - کمال، پیشین، ص ۳۶.
- ۱۴ - همان، صص ۱۱۱-۱۱۲.
- ۱۵ - همان، ۱۹۰-۱۹۱.
- ۱۶ - ر.ک. به: روزنا، پیشین، ص ۱۰۲۴.
- ۱۷ - کمالی، پیشین، ص ۶۲.
- ۱۸ - همان.
- ۱۹ - رابرت ماندل، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷)، ص ۴۶.
- ۲۰ - درباره کارویژه‌های جامعه پذیری، ر.ک. به: کمالی، پیشین، صص ۲۸-۲۹.
- ۲۱ - ر.ک. به: همان، صص ۳۸-۴۲.
- ۲۲ - باقر ساروخانی، جامعه‌شناسی ارتباطات، (تهران: اطلاعات، ۱۳۶۸)، ص ۶.
- ۲۳ - ماندل، پیشین، ص ۱۲۳.
- ۲۴ - همان، ص ۲۸.
- ۲۵ - عباس عراقچی، اینترنت عرصه‌ی جدید در تعامل فرهنگ‌ها، مجله سیاست خارجی، سال دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷، صص ۳۵۸-۳۶۴.
- ۲۶ - همان، ص ۳۶۴.
- ۲۷ - ر.ک. ژاک، هرنتریگر، درآمدی بر روابط بین الملل، ترجمه عباس آگاهی، (تهران: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸)، صص ۲۱۱-۲۱۳.
- ۲۸ - ماندل، پیشین، ص ۱۶۴.
- ۲۹ - همان، ص ۲۷.

